د کابل پوهنتون د ټولنیزو علومو علمي-څېړنیزه مجله
مجله علمی-تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل
Journal of Social Sciences
Kabul University
e-ISSN: 3078-557X
P-ISSN: 3078-5561

A Study of the Jurisprudential Principle (*Yahrumu Mina al-Rada'i Ma Yahrumu Mina al-Nasab*) in *Al-Hidayah* and Its Applications in Juristic Issues

Azizurrahman Rahmani

Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Balkh University, Mazar-i-Sharif, Afghanistan

Email: azizurahmanrahmani5@gmail.com

Article History

Recevied:
May 16, 2026

Accepted:
September 19, 2026

Published:
September 22, 2026

Abstract

This study examines the juristic principle "What is prohibited through breastfeeding is also prohibited through lineage" and its applications in juristic issues, with particular emphasis on the Hanafi school of Islamic jurisprudence. This principle is important in personal status and family law, indicating that relationships prohibited through lineage may also become prohibited through breastfeeding (rada'ah) when its legal conditions are fulfilled. The study aims to clarify the meaning, legal basis, conditions, applications, and exceptions of this principle according to Hanafi jurisprudence.It uses a descriptive-analytical review method, drawing on the Qur'an, Prophetic Hadiths, and authoritative works of Islamic jurisprudence, particularly al-Hidayah and its commentaries. The study discusses the concept and duration of breastfeeding, the amount of milk required to establish prohibition, the categories of milk-based prohibitions, and their juristic consequences in marriage. It also examines selected applications and exceptions of the principle. The findings showed that this principle plays an important role in determining mahram relationships, regulating family relations, preserving lineage, and preventing unlawful intermingling among mahrams. A proper understanding of this principle is essential for judges, muftis, and researchers in addressing juristic issues related to breastfeeding and marriage.

Keywords

Breastfeeding (Radaʻah); Milk Kinship Prohibitions; Lineage; Marriage; Mahram Relationships; Hanafi Jurisprudence; Juristic Principle

Rahmani, A. A. (2026). Study of the Jurisprudential Principle (Yahrumu Mina al-Rada'i Ma Yahrumu Mina al-Nasab) in Al-Hidayah and Its Applications in Juristic Issues. *Journal of Social Sciences - Kabul University*, *9*(2), 452-471. https://doi.org/10.62810/jss.v9i2.505

دکابل پوهنتون د ټولنیزو علومو علمي-څېړنیزه مجله
مجله علمی-تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون کابل
Journal of Social Sciences
Kabul University
e-ISSN: 3078-557X
P-ISSN: 3078-5561

بررسی ضابطه فقهی (یَحرُمُ مِن الرّضاع مایَحرُمُ مِنَ النَّسب) درکتاب الهدایه وتطبیقات آن در مسائل فقهی

نامزد پوهنیار عزیزالرحمن رحمانی

دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون بلخ، افغانستان

ایمیل: azizurahmanrahmani5@gmail.com

تاریخچه

تاریخ دریافت:
۲۶ ثور ۱۴۰۵

تاریخ پذیریش:
۲۸ سنبله ۱۴۰۵

تاریخ نشر:
۳۱ سنبله ۱۴۰۵

Abstract

این تحقیق به بررسی ضابطه فقهی «یَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا یَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» و تطبیقات آن در مسائل فقهی با تأکید بردیدگاه فقه حنفی می‌پردازد. ضابطه مذکور از قواعد مهم فقه اسلامی در حوزه احوال شخصیه و نظام خانواده بوده و بیانگر آن است که بسیاری از محرمات ناشی از نسب، در صورت تحقق رضاع شرعی، از طریق شیرخوارگی نیز موجب حرمت نکاح می‌گردد. مسئله اصلی تحقیق، تبیین مفهوم ضابطه، اصل شرعی آن، شرایط تحقق رضاع و بررسی مصادیق و استثنائات آن در فقه حنفی است. تحقیق حاضر با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی ـ تحلیلی انجام شده و برای گردآوری و تحلیل مطالب، از قرآن کریم، احادیث نبوی و منابع معتبر فقهی، به‌ویژه کتاب «الهدایة» و شروح آن، استفاده شده است. در این تحقیق، مفهوم رضاع، مدت آن، مقدار شیر لازم برای تحقق محرمیت، انواع محرمات رضاعی و آثار فقهی آن در مسائل نکاح بررسی گردیده است. همچنین تطبیقات این ضابطه در برخی مسائل فقهی و موارد استثنایی آن مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ضابطه یادشده نقش مهمی در تعیین حدود محرمیت، تنظیم روابط خانوادگی، حفظ انساب و جلوگیری از اختلاط محارم دارد و شناخت دقیق آن برای قضات، مفتیان و محققان در حل مسائل فقهی ضروری است.

واژه‌های کلیدی

رضاع؛ محرمات رضاعی؛ نسب؛ نکاح؛ فقه حنفی؛ ضابطه فقهی؛ محرمیت

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله ربِّ العالمین، والصَّلاةُ والسَّلام علی سیِّد المرسَلین، وعلی آله وأصحابه أجمعین.

فقه اسلامی به‌عنوان نظام جامع تنظیم‌کننده روابط فردی واجتماعی، درجامعه اسلامی می‌باشد، وفقهاء کرام قواعد وضوابطی کلی فقهی را با استنباط از اصول شریعت اسلامی، وضع نموده اند؛ تا اینکه این قواعد وضوابط فقهی سبب سهولت وآسانی در فهم ودرک مسائل وجزئیات احکام فقهی گردد، قضات ومفتی ها بتوانند احکام مسائل گوناگون را با سهولت و دقت استخراج نمایند. یکی از مهم‌ترین ضابطه فقهی در باب احوال شخصیه(حقوق فامیل) درارتبارط به مُحَرَّمات، ضابطه فقهی "یَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا یَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ" است، این ضابطه گرفته شده ازحدیث نبوی می‌باشد، وامام مرغینانی آن‌را درکتاب الهدایه، ذیل مبحث رضاع ذکر نموده است (مرغینانی، ١٤٢٥ هـ ق، ج١، ص٢١٧). این ضابطه نقش اساسی در تنظیم روابط خانوادگی داشته حدود محرمیت رامشخص نموده، بیان می‌دارد: هرنوع رابطه‌ای نسبی(خویشاوندی خونی) موجب حرمت ازدواج‌گردد، همان نوع رابطه ی رضاعی (شیرخوارگی) موجب حرمت ازدواج نیزمی‌گردد.

با وجودصراحت ضابطه درمنابع شرعی، درتطبیق‌آن برمصادیق مختلف، پرسش‌های متعددی مطرح است: ازجمله شرایط تحقق رضاع، حدود وقیودآن، تعداد دفعات شیرخوردن، سن طفل درزمان رضاع، کیفیت شیر دادن (مستقیم یا غیرمستقیم) و تأثیرآن بر ایجاد محرمیت. هم‌چنین در برخی موارد، اختلاف دیدگاه میان مذاهب فقهی درباره جزئیات این قاعده باعث پیچیدگی بیشتردر فهم و اجرای آن شده است. از این‌رو، بررسی دقیق این قاعده و تحلیل ابعاد مختلف آن یک ضرورت علمی به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، عدم آگاهی کافی برخی از افراد نسبت به احکام رضاع، در مواردی منجر به وقوع ازدواج‌های نامشروع یا اختلاط محارم می‌گردد این امر نشان‌دهنده اهمیت عملی و کاربردی این بحث می‌باشد. از این رو *مسأله اساسی* این تحقیق این است: قاعده (یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب) با رویکرد تطبیقی آن در مسائل فقهی مورد بحث قرار گرفته شود.

این تحقیق ازجهات ذیل دارای اهمیت است:

اول: ضابطه مذکور ارتباط مستقیم با نظام خانواده واحکام نکاح دارد، هرگونه خطاء در فهم یا تطبیق آن می‌تواند منجر به بطلان ازدواج، ارتکاب حرام ونقض حدود الهی گردد.

دوم: هم چنان این ضابطه تأثیرمستقیم برساختارخانواده دارد. خانواده به‌عنوان هسته اصلی جامعه، نیازمند روابط روشن و تعریف‌شده است و قاعده رضاع در تعیین این روابط نقش مهمی را ایفاء می‌کند.

سوم: این تحقیق می‌تواند به قضات، مفتیان ومحققان کمک نماید تا درمواجهه با مسائل جدید، به ویژه در بررسی بانک های شیر، راه‌حل‌های دقیق و مستند را ارائه دهند.

اهداف اساسی این تحقیق را می‌توان در نکات ذیل خلاصه نمود:

١. بررسی و تحلیل ضابطه فقهی (یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب) و تبیین ابعاد فقهی آن درفقه حنفی.
٢. بیان اصل شرعی ضابطه مزبور، از قرآن و سنت.
٣. تبیین میزان کارآمدآن در نظام خانواده به ویژه در باب رضاع، شیرخوارگیری، می‌باشد.
٤. بیان انواع محرمات رضاعی و شرایط تحقق رضاعت(شیرخوارگی) وموارد استثنائی ضابطه در فقه اسلامی.
٥. تطبیقات ضابطه فقهی درضمن فروعات ومسائل فقهی توأم با تحلیل دیدگاه‌های مذاهب فقهی.
٦. بررسی حکم بانک های شیر وتأثیرآن در گسترش محرمیت.

روش تحقیق

روش این تحقیق توصیفی- تحلیلی وتطبیقی است؛ به این معنا ابتداء مفاهیم، ادله ودیدگاه های فقهی توصیف گردیده، سپس مورد تحلیل ومقایسه قرار گرفته است.

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ی بوده واطلاعات ازمنابع اصیل اسلامی(قرآن کریم، احادیث نبوی، کتب معتبر فقه حنفی، آثار اصولی و تحقیقات معاصر) جمع آوری شده است. هم‌چنین در تحلیل موضوع از روش استنباط فقهی ومقایسه دیدگاه های مذاهب اسلامی استفاده گردیده است.

اطلاعات گرد آوری شده قرار ذیل دسته بندی گردیده است:

در قدم نخست مبانی نظری مقاله از قبیل تعریف رضاع، هم چنین بیان اصل ضابطه مذکوراز قرآن وسنت، انواع محرمات رضاعی در فقه اسلامی، به بحث گرفته شده است.

در قدم دوم یافته‌های تحقیق (ضابطه مذکور با تطبیقات آن در مسائل فقهی) در پنج کتگوری تحلیل شده، و دراخیر یافته‌های تحقیق مناقشه گردیده است، ونتیجه گیری جزء از این نوشتار می باشد.

معلومات واطلاعات تحقیق حاضر از روش تحلیل کیفی ورویکرد استدلال منطقی بررسی شده است.

در انتخاب منابع تلاش گردیده است از متون معتبر فقه اسلامی استفاده گردد، هم‌چنین در مسائل فقهی جدید از نوشته‌های جدید فقهاء معاصر درزمینه احوال شخصیه ومصوبه‌های مجامع فقهی استفاده گردیده است.

مبانی نظری

در این بخش نوشته حاضر می خواهم پیرامون مصطلح ضابطه مذکور با استفاده از منابع معتبر فقهی؛ جهت ورود به اصل موضوع بیان کنم.

شرح مفاهیم مرتبط به ضابطه مذکور

مفهوم الرضاع: درکشاف اصطلاحات الفنون آمده: الرِّضاع به قراءة کسرحرف راء، یا به فتح آن مصدر رَضِعَ یَرضَعُ از باب سَمِعَ یَسمَعُ، می‌باشد، به معنای نوشیدن شیرازپستان، می‌باشد. (تهانوی، ١٩٩٦، ج١، ص٨٦٦) و(جرجانی، ١٤٠٣، ص١١١). دراصطلاح فقهاء احناف رضاع را چنین تعریف نموده اند: رضاع عبارت است ازمکیدن شیرآدمی در وقت مخصوص. (ابن عابدین، ١٣٨٦هـ ق، ج٣، ص٢٠٩).

این ضابطه نصِّ‌حدیث نبوی می‌باشد، اصل‌واساس درباب رضاع بوده؛ ازین جهت عموم فقهاءاسلامی مُحَرّمات رضاعی را به مُحرّمات نسبی قیاس می‌نمایند، با وجود که دربرخی ازفروعات بین ایشان اختلاف نظر وجود دارد.

مفهوم ضابطه به اساس اصول احناف: هرآنچه براثرخویشاوندی(نسبی) حرام می‌شود، به واسطه شیرخوردن نیز حرام می گردد، حتی اگر طفل شیرخوار اندکی از شیر را نوشید، رضاعت حاصل می گردد درصورتی که شیرخوارگی در مدت آن (دو سالگی طفل، یا دوسال شش‌ماهگی بنابر اختلاف دیدگاه ائمه احناف)، حاصل گردد. (نسفی، ١٤٣٢هـ ق، ص٢٦٧).

اصل ضابطه در قرآن عظیم الشأن: الله متعال درسورة النسآءدر بیان محرمات می فرماید:﴿حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمۡ أُمَّهَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُمۡ وَعَمَّٰتُكُمۡ وَخَٰلَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُ ٱلۡأَخِ وَبَنَاتُ ٱلۡأُخۡتِ وَأُمَّهَٰتُكُمُ ٱلَّٰتِيٓ أَرۡضَعۡنَكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُم مِّنَ ٱلرَّضَٰعَةِ وَأُمَّهَٰتُ نِسَآئِكُمۡ وَرَبَٰٓئِبُكُمُ ٱلَّٰتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَآئِكُمُ ٱلَّٰتِي دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمۡ تَكُونُواْ دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ وَحَلَٰٓئِلُ أَبۡنَآئِكُمُ ٱلَّذِينَ مِنۡ أَصۡلَٰبِكُمۡ وَأَن تَجۡمَعُواْ بَيۡنَ ٱلۡأُخۡتَيۡنِ إِلَّا مَا قَدۡ سَلَفَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾ {النسآء، ٣٢}.

ترجمه: حرام شده‌است برشما: مادران‌تان، ودختران‌تان، وخواهران‌تان، وعمه‌هایتان، وخاله‌هایتان، و دختران برادر، و دختران خواهر، و مادران‌تان که به شما شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران زنان‌تان، ودختران همسران‌تان که دردامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آن‌ها همبستری کرده‌اید، پس اگر با آن‌ها همبستری نکرده‌اید؛ بر شما گناهی نیست (که با دختران‌شان ازدواج کنید) و (هم‌چنین) زنان پسران‌تان که از پشت و صلب خودتان هستند، و (نیز) جمع میان دو خواهر (بر شما حرام است) مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد که الله آمرزندۀ مهربان است».

پس قول الله متعال ﴿وَأُمَّهَٰتُكُمُ ٱلَّٰتِيٓ أَرۡضَعۡنَكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُم مِّنَ ٱلرَّضَٰعَةِ﴾ از لحاظ قانون ادبیات عربی معطوف است، با اول آیه مبارکه ﴿حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمۡ أُمَّهَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُمۡ... ﴾

وجه استدلال درآیه مبارک این‌است: الله متعال زن شیر دهنده را مادر شخص شیرخوار معرفی نموده، نکاح دربین شان راحرام گردانیده، این گونه رابطه خواهری، ومحرمیت را دربین دختران زن شیردهنده وشخص‌شیرخوار، به‌طورمطلق ثابت‌نموده است. (کاسانی،۱۳۲۷ هـ ق، ج٤ ص۲).

اصل ضابطه از سنت پیامبر ﷺ: اصل برای ضابطه مذکور

حدیثی است، که آن‌راحضرت عبدالله بن عباس (رضی الله عنهما) از پیامبر ﷺ روایت نموده است: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رضي الله عنهما) قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ فِي بِنْتِ حَمْزَةَ:« لاَ تَحِلُّ لِي، يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ، هِيَ بِنْتُ أَخِي مِنَ الرَّضَاعَةِ». (بخاری، ۱۴۰۴هـ ق، ج۲ ص۹۳۵). ترجمه: از ابن عباس (رضی الله عنهما) روایت است، نبی کریم ﷺ در مورد دخترحمزهd فرمود: برای من حلال نیست، هرآنچه براثرخویشاوندی نسبی حرام می‌شود، به واسطه شیرخودن نیز حرام می گردد، آن (دختر همزه) دختری برادر رضاعی من است.

وجه استدلال از این حدیث آشکار است، پیامبر ﷺ محرمات رضاعی را درحکم همراه محرمات نسبی، یکسان دانسته وبه آن حواله داده است. (ابن همام، ۱۳۸۹هـ ق، ج۳، ص۴۴۷).

انواع محرمات رضاعی: محرمات رضاعی هشت نوع می‌باشند که ذیلاً ذکر می گردد:

اول: اصول انسان به هر اندازه که بالا برود: آن‌ها عبارت اند از: مادرِ رضاعی، مادر بزرگ رضاعی ومادرِ مادربزرگ رضاعی(مادرزنِ شیردهنده ومادرشوهر زنِ شیردهنده).

دوم: فروع انسان هرقدر که پایین بروند: آن‌هاعبارت‌اند: از دختررضاعی، دخترِ پسررضاعی ودخترِ دخترِ رضاعی، هرچند پایین‌تر روند؛ زیرا آنان برادر زاده وخواهر زاده رضاعی هستند.

سوم: فروع پدرومادررضاعی: آنها عبارت اند از: خواهران رضاعی، ونیز دختران‌برادران وخواهران رضاعی، هرچند پایین روند؛ زیرا آنان دختران برادر و خواهر هستند.

چهارم: فروع مستقیمِ پدربزرگ و مادربزرگ رضاعی: یعنی عمه های رضاعی، خاله های رضاعی؛ زیرا عمه رضاعی خواهر شوهرزنِ شیرده است، وخاله رضاعی خواهرزن شیرده است؛

اما دختران عمه،عمو(کاکا) ودختران خاله، دایی(ماما) رضاعی حرام نمی شوند؛ همان گونه که در نسب نیزحرام نیستند.

پنجم: مادرِ همسر، مادرِمادرِهمسر رضاعی، هرچند که بالا بروند، برابر است که با همسر نزدیکی کرده باشد، یا نکرده باشد.

ششم: همسرپدر، همسرپدربزرگ رضاعی هر چند که بالا بروند، برابر است که پدر بزرگ با آن زن نزدیک شده باشد، یانشده باشد؛ همان گونه که همسرِ پدرِ نسبی نیز بروی حرام است.

هفتم: همسرِ پسر، همسرِ پسرِ پسر رضاعی هرچند پایین روند؛ برابر است پسربا آن زن نزدیکی کرده باشد یا نه؛ همان‌گونه که همسرِ فرزندان نسبی برآن‌حرام است.

هشتم: دخترِهمسررضاعی، دخترانِ فرزندانِ او، هرچندپاین روند؛ بشرطیکه مرد همراه آن زن نزدیکی کرده باشد، فروع آن برشوهرحرام می‌شود؛ اما اگر نزدیکی صورت نگرفته باشد، حرام نمی‌شوند؛ همان گونه که درنسبی نیز چنین است. (زحیلی، ١٤٤٣، هـ ق، ج٩، ص٦٦٣٤).

یافته‌ها

تطبیقات ضابطه

تطبیق اول: هر شخص که به سبب خویشاوندی حرام می‌گردد (که همان هفت گروه، الله متعال در قرآن عظیم الشأن صراحتاً، یادلالةً آنهارا ذکرنموده است)، به سبب شیرخوارگی نیز حرام می گردد.

تطبیق دوم: هرشخص که به سبب مصاهرة (خسورداماد‌ی) حرام می‌گردد، به سبب شیرخوارگی نیزحرام می‌گردد. پس حرام می‌گردد برای شخص(مرد) نکاح مادری رضاعی همسرش، ودختری رضاعی همسرش(که آن دختر از شوهر قبلی زن باشد)، با این تفاوت که مادر رضاعی همسرش برای مرد، به محض انعقاد نکاح دخترش، حرام می‌گردد، اما در صورت دوم دختر حرام نمی‌شود؛ مگر اینکه علاوه از عقدنکاح، دخول نیز صورت بگیرد، حکم محرمات نسبی نیز همین است. (کاسانی، ١٣٢٧هـ ق، ج٤ ص٤).

تطبیق سوم: اگر دوشخص از پستان یک زن شیرنوشیده باشند، آن دو باهم برادر، یا خواهر، یا برادر وخواهر رضاعی گردیده جائزنیست باهم دیگر، وفرزندان هم دیگر ازدواج نمایند.

بناءً اگرشخصی [به طور مثال خالد] بادختری صغیره ازدواج نماید، بعداً مادری [خالد] آن دختر صغیره را شیرد داد، نکاح این دختر صغیره برای [خالد] حرام می‌شود.

تطبیق چهارم: هم چنان اگر یک شخص با دو دختری صغیره ازدواج نماید، بعداً این دو دختر را یک زن اجنبی هم زمان، یا پی هم شیرداد، نکاح آن دخترها برای آن شخص حرام می گردد؛ زیرا این دو باهمدیگرخواهررضاعی گردیدند، وجمع بین دوخواهر رضاعی در نکاح جائزنمی‌باشد، مانند عدم جواز جمع بین دوخواهرنسبی.

رضاعت(شیرخوارگی) که بعد ازنکاح عارض می‌گردد، همانند رضاعتی است که قبل از نکاح ثابت باشد، برای این شخص جائز است نکاح یکی از این دو دختر صغیره را انتخاب نموده، ودیگری آن را رها نماید؛ زیراجمع شان حرام است.(قاضی خان، ۲۰۰۹م، ج1، ص۳۶۳).

تطبیق پنجم: جائزاست برای شوهری مُرضِعه (زن شیردهنده)، ازدواج نماید همراه مادری نسبی طفلی رَضِیع(شیرخوارنده)؛ زیرا طفلی رَضِیع(شیرخوارنده) فرزندی رضاعی آن مرد می باشد، وجائز است برای شخص اینکه ازدواج نماید همراه مادری نسبی فرزندش، هم چنین جائزاست برای پدری نسبی طفل رَضِیع(شیرخوارنده)، ازدواج نمودن همراه مُرضِعه همان طفل(زن شیردهنده)؛ زیرا آن زن مادر رضاعی برای همان طفل می باشد، پس زن مُرضِعَه مانند مادرِنسبی برای طفل شیرخوار می باشد.(کاسانی،۱۳۲۷هـ ق، ج٤، ص۵).

مُستَثنَیات ضابطه: فقهاء احناف؛از عموم ضابطه مذکور چند صورت مسئله را استثناء نموده اند که قرار ذیل است:

مادر خواهر رضاعی؛ زیرا جائزاست شخص همراه مادرخواهررضاعی خود ازدواج نماید، درحالیکه جائز نیست شخص همراه مادری خواهرنسبی خود ازدواج نماید، واین مسئله(مادرخواهررضاعی) سه صورت دارد ذیلاً ذکرمی‌گردد:

۱. صورت اول این است: خواهر رضاعی دو مادر رضاعی داشته باشد، به طور مثال: یک شخص خواهررضاعی داشته باشد، واین خواهررضاعی یک مادر رضاعی دیگری نیز داشته باشد، که تنها خواهر را شیر داده باشد، نه برادر را، پس همان برادر رضاعی می‌تواند با مادر رضاعی خواهرش که برادر رضاعی ازآن شیر ننوشیده است ازدواج نماید.

۲. صورت دوم مسئله مذکور چنین است: خواهر دومادر دارد: یک مادر رضاعی، دوم مادر نسبی: به طور مثال این خواهر تنها خواهررضاعی آن برادر باشد، نه خواهرنسبی، وبرای خواهر، مادر نسبی نیز وجود داشته باشد، پس این برادر رضاعی می‌تواند همراه مادر نسبی خواهر رضاعی خود، نکاح نماید.

۳. سوم: عکس صورت دوم می‌باشد: یعنی تنهاخواهر نسبی شخص را یک زن اجنبی(بیگانه) شیر داده باشد، واین زن اجنبی برادرآن‌را شیر نداده باشد. (ابن نجیم، ۱۴۳۱هـ ق، ج۳، ص۲۳۹).

دلیل استثناء مسائل مذکوره از این ضابطه: دلیل برای استثناء مسائل مذکوره این است: حرمت مُحرَّمات نسبی به علتی جزئیت، ثابت گردیده است، وجزئیت به تنهایی خود، نیز علت برای ثبوت حرمت رضاعی می‌باشد، پس هرگاه این علت متحقق نگردد، حرمت نیزمنتفی می‌شود؛ زیرا به اساس قاعده مقرر در اصول فقه، مدارحکم وجوداً وعدماً، همراه علت می باشد: یعنی اگر علت موجود بود حکم به وجود می آید، بالعکس علت اگرمنتفی بود حکم نیز منتفی می‌باشد؛ چنان که در مورد خواهری برادر نسبی این حکم تطبیق گردیده دربرخی از صورت ها ازدواج با آن جایز می‌باشد، به عنوان مثال: یک شخص برادر نسبی از طرف پدر داشته باشد، وآن برادر، یک خواهرنسبی ازطرف مادر داشته باشد؛ دراین صورت ازدواج آن برادرپدری با آن دختر(که خواهر مادرشریک، برای برادرش بوده، نه برای خودش)، جائز می‌باشد؛ زیرا آن دختر نسبت به او بیگانه است، در بین شان جزئیت وجود ندارد، پس حرمت هم ثابت نمی‌شود، هم چنین هرگاه جزئیت به وسیله رضاع از میان برود، در برخی صورت هاحرمت نیز ازبین میرود؛ بنا براین مسائل مذکوره در حقیقت از عموم حدیث مستثنی نگردیده اند؛ زیرا در اصل عموم حدیث آنهارا شامل نمی‌شود.

علامه ابن نجیم; مُستثنَیات ضابطه مذکور را تا هشتادویک صورت رسانیده است، نظر به عدم گنجایش مقاله، ازآن صرف نظر صورت گرفته شده است.

شرایط ثبوت رضاعت: شرط اول ثبوت رضاع نزدجمهور فقهاء اسلامی این است، شیرخوارگی در زمان صغیربودن طفل صورت گیرد، اگر بعد سپری شدن زمان صغارت یعنی در زمان کبیر بودن(بزرگ سال شدن) از یک زن شیر بنوشد، رضاعت ثابت نمی‌گردد، در تعیین مدت صغیر بودن طفل که رضاعت ثابت می‌گردد دو نظریه مشهور از فقهاء اسلامی وجود دار یکی مذهب جمهور فقهاء اسلامی که امام ابویوسف; وامام محمد; نیز شامل اند،آن‌ها می‌گویند: رضاع که موجب محرمیت می گردد، شرط است

شیرخوارگی در دو سال اول حیات طفل صورت بگیرد، یعنی طفل اگربعد ازگذشت دوسالگی شیر یک زن را بنوشد، نزد جمهور فقهاء اسلامی رضاعت ثابت نمی‌گردد.

ازنظر امام ابوحنیفه; مدت ثبوت‌رضاع دوسال وشش‌ماه می‌باشدوزفر;می‌گویدمدت ثبوت رضاع سه سال می‌باشد. (زحیلی، ۱۴۴۲، ج۹، ص٦٦٣٧ کاسانی،۱۳۲۷ هـ ق، ج۴ ، ص٦). برای هردو نظریه دلائل وجود دارد از آوردن در این مقاله بدلیل طوالت موضوع صرف نظر نمودم.

مقدار مکیدن شیر که رضاع را ثابت می کند: درنزد فقهاءحنفی قَلَیلُ الرضاع وکَثیرُ الرضاع(نوشیدن یا مکیدن، شیرکم وزیاد) دراثبات رضاع برابر بوده تفاوت ندارد، یعنی اگر طفل از پستان زن شیرده، یک دفعه ویا دو دفعه شیر بنوشد، رضاعت ثابت می‌گردد واگرده دفعه هم بنوشد رضاعت ثابت می‌گردد دربین کم وزیاد آن تفاوت وجود ندارد، اما درنزدامام شافعی;برای ثبوت رضاعت شرط است،که طفل حد اقل پنج مرتبه شیر بنوشد. (سرخسی، ۱۴۳۱هـ ق، ج۵، ص ۱۳۴). و(شربینی، ۱۴۱۵، ج۵ ص ۱۳۰).

نقش بانکهای شیر درگسترش محرمیت به اساس ضابطه مذکور: نصوص شریعت اسلامی واقوال فقهاء اسلامی به طور مطلق، قطعاً ویقیناً دلالت دارد، بر تحریم نکاح بین اشخاص که باهم رابطه شیرخوارگی دارند، با گذشت زمان وپیشرفت اسباب وآلات روش های جدید برای انتقال شیر مادر برای اطفال به وجود آمده است، از این جهت سوال جدید مطرح می گردد آیا براساس اصول شریعت اسلامی انتقال و زرق شیرهای بانکی در انتشار محرمیت نقشی دارند یاخیر؟ فقهای معاصر درخصوص این مسئله نظریات ودیدگاه های متفاوت ارائه نمودند که ذیلاً روی آن بحث وتحقیق می گردد.

بانک های شیر وتاریخ پیدایش آن درجهان: بانک های شیر عبارت اند: از مراکز تخصصی برای جمع آوری شیر از مادرانی اهداء کننده، یا ازمادرانی که شیر خود را دربرابر مبلغ معینی می‌دهند؛ سپس این بانک ها شیرهای جمع آوری شده را به مادرانی می فروشند که می خواهند آن را به کودکان خود تغذیه نمایند.(کنعان، ب ت، ص۴۸۷).

دیدگاه مذهب احناف در ارتباط به حکم بانک های شیر: بررسی وتحقیق متون فقهی مذهب احناف، به عدم جواز بانک‌های شیر صراحت دارد: امام سرخسی در کتاب المبسوط به این موضع پرداخته ومی‌فرماید: « وَلاَ يَجُوزُ بَيْعُ لَبَنِ بَنِي آدَمَ عَلَى وَجْهٍ مِنْ الْوُجُوهِ عِنْدَنَا... وَحُجَّتُنَا فِي ذَلِكَ أَنَّ لَبَنَ الْآدَمِيَّةِ لَيْسَ بِمَالٍ مُتَقَوِّمٍ فَلاَ يَجُوزُ بَيْعُهُ».(سرخسی، ۱۴۳۱هـ ق، ج۱۵، ص۱۲۵). یعنی به هیچ وجه، فروش شیر انسان در نزد ما(احناف) جائز نیست، دلیل ما در این مسئله این است که شیر انسان مال متقوم

نمی‌باشد، پس فروش آن جائز نمی‌باشد. هم‌چنان امام سرخسی در ارتباط به جمع آوری شیر مادر در ظروف می‌گوید: « فَأَمَّا مَا يَحْلِبُ الْقَوَارِيرَ قَلَّ مَا يَحْصُلُ بِهِ غِذَاءُ الصَّبِيِّ وَفِي تَجْوِيزِ ذَلِكَ فَسَادٌ؛ لِأَنَّهُ يُؤَجَّرُ بِهِ الصِّبْيَانُ فَتَثْبُتُ بِهِ حُرْمَةُ الرَّضَاعِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَنْ كَانَ اللَّبَنُ مِنْهَا وَلَا يَعْلَمُ ذَلِكَ». (سرخسی، ۱۴۳۱هـ ق، ج۱۵، ص۱۲٦).

یعنی: آن شیرهای که درظروف شیشه ی جمع آوری می‌گردد، به ندرت چیزی حاصل می‌شود که کودک بتواند با آن تغذیه شود؛ بناءً در تجویزآن، فساد وجود دارد؛ زیرا ممکن است میان کودکان و زنان که شیر از آن‌ها است، حرمت رضاع ثابت گردد، درحالی که معلوم نیست، این شیر از کدام زن می‌باشد.(عبدالله، ۱۴۴۳، ص ۲۱۰).

دیدگاه فقهای معاصردر ارتباط گسترش محرمیت به واسطه بانک های شیر: فقهای معاصر در باره ایجاد محرمیت از طریق نوشیدن طفل شیر را از بانک‌ها شیری به سه دیدگاه ذیل تقسیم شده اند:

۱. بعضی فقهاءمعاصر مانند: احمد هریدی، یوسف قرضاوی قائل هستند به جواز تأسیس و تنظیم بانک‌های شیر به هر شکل و روشی باشد، بدون آن که محرمیت رضاعی یا سائر آثار فقهی برآن مرتب گردد. این‌ها این‌گونه استدلال می‌کنند: ایجاد بانک‌های شیر در صورتی که رضاع حاصل از آن موجب نشرحرمت نگردد، در هیچ محذور شرعی واقع نمی‌شود؛ زیرا مکیدن مستقیم از پستان وجود ندارد، و نیز به هم آمیخته شدن آن باشیر زنان دیگر وعدم مشخص بودن زن شیرده، و طفل شیرخوار؛ از این جهت ایجاد بانک‌های شیر هیچ مشکلی ندارد (مجموع فتاوي دار الإفتاء المصرية، شماره۹۵۹).

۲. تعداد دیگری از فقهاء معاصر تأسیس بانک های شیری را به هرشکل وروشی که باشدحرام می‌دانند، وتصمیم وفتوای مجمع فقه اسلامی نیز برهمین قول صادر شده است.(مجلة مجمع الفقه الإسلامي، (۱۴۱۵هـ ق). این‌ها چنین استدلال می‌نمایند: اسلام رضاع(شیرخوارگی) را همانند نسب دانسته است؛ چنانکه به اجماع مسلمانان، هر چیزی که به سبب نسب حرام می شود، به سبب رضاع نیز حرام می گردد. از مقاصد کلی شریعت نیز حفظ نسب ها است؛ درحالیکه بانک های شیرسبب اختلاط، شبهه وفتنه می‌گردد؛ بنابر این برای رعایت، احتیاط وجلوگیری از فساد ونیز بدلیل اینکه چنین امری در امت اسلامی سابقه نداشته است، باید ازآن پرهیزشود.

۳. نظریه سوم فقهاء معاصر این است: آنها تأسیس بانک های شیر را به دو شرط جواز میدهند **شرط اول**: ضرورت موجود باشد، به طور مثال برای تغذیه کودک دیگر راهی جز بانک شیر

وجود نداشته باشد، **شرط دوم:** نام ومشخصات زنی اهداء کننده شیر در شیشه وبوتل که شیر درآن جمع آوری می شود، باید نوشته شود. این دیدگاه برخی علماءمعاصر است مانند: دکتورعمرالاشقر.(کیکلدي،۱۴۳۱هـ ق، ج۱، ص۴۳۵ ، دباسي، ۱۴۳٦هـ ق، ج۲٦، ص۴۸۲).

دیدگاه راجح در این موضوع: نظریه راجح وبهتر در خصوص این مسئله که سازگاری با روح شریعت اسلامی دارد، دیدگاه فقهاء احناف وفقهاء معاصر که به عدم جواز ایجاد بانک‌های شیر قائل هستند، می‌باشد که فتوای مجمع فقه اسلامی نیز موافق همین نظریه، صادر گردیده است، از این رو برخی از دلائل راجح وبرتر بودن این دیدگاه را در سطور ذیل ذکر می گردد.

۱. **ازبین رفتن عطوفت ومهربانی دربین طفل ومادر:** ایجاد بانک های شیر نقش برازنده در ازبین بردن عطوفت، مهربانی مادر وطفل دارد یعنی مهربانی وعطوفت طبعی طفل در مادر وجود دارد، به سبب پیدایش بانک های شیر ازبین میرود؛ زیرا مادر بعد ازاهداء شیرمراقب این نمی‌باشد، شیر من برای کدام طفل نوشانیده شده، تا مهربانی مادر به آن طفل تمایل نماید.
۲. **ضرر را به واسطه ضرر دفع کرده نمی شود:** در قواعدفقهی یک قاعده ی مسلم الثبوت وجود دارد تحت عنوان:« الضَّرَرُ لاَ يَزَالُ بِالضَّرَرِ». (ابن نجیم، ۱۴۱۹ هـ ق، ص۷۴). یعنی در شریعت اسلامی هیچ گاه جائز نیست که ضرر را توسط ضرری دیگری دفع کرده شود؛ بناءً عدم وجود شیر طبعی برای اطفال، یک ضررمی باشد، پس دفع این ضررمناسب نیست با واقع شدن در ضرردیگر، صورت بگیرد. وضرر دیگر قرار ذیل است:***اطلاع حاصل نمودن مردها به عورت زن ها*** دروقت کشف پستان زن های شیرده در وقت دوشیدن شیر، وازبین رفتن کرامت زنان شیرده، وهم چنان پیدایش فساد اخلاقی واضرار اجتماعی دیگری، سرمنشأ آن ایجاد بانک های شیر می‌باشد. (کحلاوی، ۱۴۱۹هـ ق، ص۱۰۱-۱۰۲).
۳. **ضرورت به ایجاد بانک های شیر نمی باشد؛** زیرا بدیل آن وجود دارد همانا شیرهای خشکی که در بازار ها بدسترس عموم مردم قرار دارد؛ بناءلازم نیست که مرتکب محظورات شرعی گردید.
۴. **عدم جواز فروش جزء انسان:** فروش شیرهای جمع آوری شده دربانک های شیر در شریعت اسلامی، غیرمشروع می‌باشد؛ زیرا شیرجزء انسان می‌باشد فروش اجزاء انسان جائز نیست. (نووی، ۱۴۱۲ هـ ق، ج ۳، ص۳۵۳).

٥. **جمع آوری شیر دربانک های شیر** از زن های مختلف که اخلاق آنهامعلوم نیست، هم چنان امکان خلط شیری زن های کافره وفاسقه درآن وجود دارد، این امر برای طفل مسلمان یک ضرر بزرگ می‌باشد. (دباسي: ١٤٣٦هـ ق، ج٢٦، ص ٤٧٦ – ٤٧٧).

با بررسی منابع شرعی به این نتیجه متوصل می‌گردیم که ایجاد بانک های شیر از منظر شریعت اسلامی یک امری غیرمشروع بوده، جمهور فقهاء جهان اسلام به عدم جواز آن فتوا صادر نموده اند.

ضابطه مذکور درباب احوال شخصیه (حقوق فامیل) کاربرد اساسی داشته، ومعیارفهم وشناخت محرمات رضاعی می‌باشد؛ بناءً درتحقیق حاضر تطبیقات آن درضمن فروعات فقهی بررسی گردیده، شرایط ثبوت رضاعت، مقدار مکیدن شیر که به آن مقدار رضاعت ثابت می‌گردد، هم چنان مسائل جدید فقهی مانند بانک های شیر را با استناد به ضابطه مذکور مورد بحث قرار گرفته است.

نخستین یافته‌تحقیق در پاسخ به سوال اول تحقیق، یعنی تبیین مفهوم ضابطه، بیانگر آن است که مقصود از این قاعده، مساوی بودن آثار رضاع با نسب در ایجاد محرمیت نکاح است. تحلیل نصوص قرآنی و احادیث نبوی نشان داد که شریعت اسلامی رضاع را در حکم نسب قرار داده وآن را سبب ایجاد پیوند شرعی و خانوادگی دانسته است. این نتیجه با دیدگاه جمهور فقهاء اسلامی هماهنگ بوده و بیانگر آن است که هدف شریعت از تشریع رضاع، حفظ انساب، جلوگیری از اختلاط محارم و حمایت از نظام خانواده می‌باشد.

هم‌چنین نتایج تحقیق نشان داد که فقهاء اسلامی در اصل ثبوت محرمیت رضاعی اتفاق نظر دارند؛ اما در برخی شرایط تحقق رضاع مُحرِّم، اختلاف دیدگاه وجود دارد. یافته‌های تحقیق در پاسخ به سوال دوم تحقیق نشان داد که جمهور فقهاء، مدت معتبر رضاع را دو سال دانسته‌اند، در حالی‌که امام ابوحنیفه ; مدت آن را دو سال وشش‌ماه تعیین نموده است. (زحیلی، ١٤٤٢، ج٩، ص٦٦٣٧). و(کاسانی، ١٣٢٧ هـ ق، ج٤، ص٦).

هم‌چنین فقه حنفی میان کم و زیاد رضاع تفاوتی قائل نیست؛ وامام شافعی;تحقق محرمیت را مشروط به پنج مرتبه شیرخوردن دانسته است. تحلیل این اختلافات نشان می‌دهد که منشأ اصلی تفاوت دیدگاه‌ها، تفاوت در استنباط نصوص و شیوه جمع میان ادله شرعی می‌باشد، نه اختلاف در اصل مشروعیت رضاع.

یکی دیگر از یافته‌های مهم تحقیق، گستردگی تطبیقات این ضابطه درمسائل فقهی است.

بررسی فروعات فقهی نشان داد که رضاع همانند نسب در باب اصول، فروع، حواشی و مصاهره تأثیرگذار بوده و احکام متعددی بر آن مترتب می‌شود. این نتیجه با هدف تحقیق مبنی بر تبیین کارآمدی ضابطه در نظام خانواده ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا یافته‌ها نشان می‌دهد که رضاع در حقیقت وسیله‌ای برای حفظ نظم خانوادگی و جلوگیری از اختلاط روابط نامشروع است.

از سوی دیگر، تحقیق‌حاضر نشان داد که فقهاء احناف برخی مسائل را از عموم این ضابطه استثناء نموده‌اند؛ مانند مسئله «مادر خواهر رضاعی».(ابن نجیم، ۱۴۳۱هـ ق، ج۳، ص۲۳۹).

تحلیل این استثنائات بیانگر آن است که فقه اسلامی در تطبیق قواعد کلی، تنها به ظاهر نصوص اکتفا نکرده، بلکه علل و مقاصد احکام را نیز مورد توجه قرار داده است. این امر نشان‌دهنده عمق اجتهادی فقه اسلامی و انعطاف‌پذیری آن در استنباط احکام می‌باشد.

در بخش مربوط به بانک‌های شیر، یافته‌های تحقیق آشکار ساخت که این مسئله از مهم‌ترین قضایای نوپیدای فقه معاصر است که میان فقهاء اختلاف نظر گسترده‌ای در آن وجود دارد. تحلیل دیدگاه‌های فقهای معاصر نشان داد که گروهی از آنان به دلیل عدم تحقق رضاع مستقیم، اختلاط شیرها و مجهول بودن صاحبان شیر، قائل به عدم نشرحرمت شده‌اند؛ درحالی‌که گروه دیگری، با استناد به مقاصد شریعت اسلامی در حفظ نسب و جلوگیری از اختلاط محارم، ایجاد بانک‌های شیر را غیرمشروع دانسته‌اند. (مجلة مجمع الفقه الإسلامي، (۱۴۱۵هـ ق).

تحقیق حاضر پس از تحلیل دلائل هردو دیدگاه، نظریه دوم را راجح دانسته است؛ زیرا این نظریه با مقاصد کلی شریعت اسلامی هماهنگی بیشتری دارد. تحلیل علمی این مسئله نشان می‌دهد که هرچند هدف ایجاد بانک‌های شیر، تأمین کننده تغذیه اطفال نیازمند است؛ اما مفاسد احتمالی ناشی از اختلاط انساب، ابهام در روابط رضاعی و گسترش شبهات خانوادگی، از مصالح مورد ادعاء قوی‌تر می‌باشد. افزون برآن، وجود بدیل‌های مشروع مانند شیر خشک طبی، ضرورت ایجاد بانک‌های شیر را تا حد زیادی منتفی می‌سازد.

نتایج این تحقیق با یافته‌های بسیاری از تحقیقات فقهی معاصر، به‌ویژه مصوبات مجمع فقه اسلامی، هماهنگ می‌باشد؛ زیرا آنان نیز به دلیل احتمال اختلاط نسب و دشواری تشخیص روابط رضاعی، تأسیس بانک‌های شیر را غیرجائز دانسته‌اند. درمقابل، دیدگاه برخی محققان معاصرمانند: یوسف قرضاوی که قائل به جواز شده‌اند، (مجموع فتاوي دار الإفتاء المصرية، شماره۹۵۹). بیشتر بر ظاهر تحقق رضاع متمرکز بوده و به پیامدهای اجتماعی و مقاصدی مسئله کمتر توجه نموده است.

در مجموع، تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ضابطه «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» تنها یک قاعده نظری فقهی نیست؛ بلکه اصل مهمی در حفظ هویت خانوادگی، صیانت نسب و تأمین ثبات اجتماعی به شمار می‌رود. هم‌چنین این ضابطه ظرفیت آن را دارد که در مواجهه با مسائل جدید طبی و اجتماعی، مبنای استنباط احکام معاصر قرار گیرد.

بحث و مناقشه

یافته‌های تحقیق نشان داد که ضابطه فقهی «یَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا یَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» یکی از اصول بنیادین فقه اسلامی در باب احوال شخصیه است که نقش محوری در تنظیم روابط خانوادگی، حفظ نسب و جلوگیری از اختلاط محارم ایفاء می‌کند. تفاوت یافته‌های این تحقیق با یافته تحقیقات دیگران: د. سلیمان بن عیسی باکلی درکتاب خود« ***الرضاع المحرم»*** و د.حسین عبدالمجید ابوالعلاء در کتاب «***الرضاع المحرم وبنک اللبن»*** وعبدالله الاحمد درکتاب***«النوازل فی الرضاع»*** ، در این است، که نویسنده های کتاب های مذکور در آثار خود به تبین احکام رضاع پرداخته، وضابطه مذکور را اساس احکام رضاع و معیار تشخیص محرمات رضاعی دانسته، وبه آن استدلال نموده اند. (ابوالعلاء، ۱۴۱۴هـ ق، ۷۲). و(باکلی، ب ت، ص۱۳۹)، اما تحقیق حاضر افزون بر تبیین اصل ضابطه، تطبیقات عملی آن را در فروع فقه حنفی و مسائل معاصر، و موارد استثنائی آن را مورد بررسی قرار داده است.

هم‌چنین یافته‌های تحقیق حاضربا نتایج مقاله «أحكام الرضاع المحرم في الفقه الإسلامي» همسو می‌باشد؛ زیرا هر دو تحقیق بر این نکته تأکید دارند که رضاع در ایجاد محرمیت، در حکم نسب قرار دارد و مقصود شارع از تشریع آن، حفظ ساختار خانواده و جلوگیری از اختلاط انساب است. با وجود این، مقاله مذکور بیشتر به بیان احکام کلی رضاع پرداخته؛ در حالی که تحقیق حاضر تلاش نموده است موارد تطبیقی ضابطه را در چارچوب فقه حنفی و بر اساس نصوص الهدایة به‌صورت تفصیلی تحلیل نماید.

از سوی دیگر، بررسی استثنائات وارده بر ضابطه، به ویژه مسئله «مادر خواهر رضاعی»، نشان داد که فقه اسلامی در تطبیق قواعد کلی صرفاً به ظاهر الفاظ اکتفاء نکرده، بلکه علل و مقاصد احکام را نیز مورد توجه قرار داده است. این نتیجه با دیدگاه اصولیین و فقهاء که احکام را بر مدار علت و حکمت تحلیل نموده‌اند، سازگاری دارد و بیانگر آن است که استثنائات مذکور در حقیقت خروج از قاعده

نیست؛ بلکه ناشی از عدم تحقق علت محرمیت در برخی صورت‌ها می‌باشد. (ابن نجیم، ۱۴۳۱هـ ق، ج۳، ص۲۳۹).

در موضوع شرایط تحقق رضاع نیز یافته‌های تحقیق آشکار ساخت که اختلاف فقهاء بیشتر در جزئیات و شرایط ثبوت رضاع است، نه در اصل ضابطه. این نتیجه با آنچه در آثار فقهی مذاهب اسلامی مطرح گردیده، مطابقت دارد و نشان می‌دهد که اختلافات موجود، ریشه در تفاوت روش‌های استنباط و برداشت از ادله شرعی دارد. از این رو، اختلاف در مدت رضاع یا مقدار شیر خوردن، تأثیری در اصل اعتبار ضابطه نداشته و همه مذاهب اسلامی بر اصل محرمیت رضاعی اتفاق نظر دارند.

در بخش مسائل جدید، یافته‌های تحقیق نشان داد که موضوع بانک‌های شیر از مهم‌ترین چالش‌های فقه معاصر به شمار می‌رود. نتایج این تحقیق با مصوبات مجمع فقه اسلامی و دیدگاه شماری از فقهای معاصر موافق است که تأسیس بانک‌های شیر را به دلیل احتمال اختلاط محارم و ابهام در روابط رضاعی غیرمجاز دانسته‌اند. در مقابل، برخی از محققان معاصر همچون یوسف قرضاوی و احمد هریدی با تأکید بر اختلاط شیرها وعدم تعیین دقیق صاحبان‌شیر، معتقد به عدم تحقق محرمیت رضاعی و جواز بانک‌های شیر شده‌اند. (عبدالله،۱۴۳۷ ق، ص۲۰۷).

تحقیق حاضر پس از ارزیابی دلائل هردو دیدگاه، به این نتیجه رسیده است که دیدگاه منع، از پشتوانه قوی‌تری برخوردار است؛ زیرا افزون بر استناد به ظاهر نصوص، با مقاصد کلی شریعت اسلامی در حفظ نسب، جلوگیری از اختلاط محارم و دفع مفاسد اجتماعی نیز هماهنگی بیشتری دارد. به همین دلیل، این دیدگاه در میان مجامع فقهی معاصر نیز مقبولیت گسترده‌تری یافته است.

وجه تمایز و نوآوری این تحقیق نسبت به تحقیقات پیشین آن است که موضوع را صرفاً از منظر احکام رضاع بررسی نکرده، بلکه ضابطه «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» را به عنوان یک اصل فقهی مستقل در کتاب الهدایة مورد مطالعه قرار داده و تطبیقات آن را در مسائل کلاسیک و معاصر گردآوری و تحلیل نموده است. از این جهت، تحقیق حاضر توانسته است میان مباحث نظری رضاع و کاربردهای عملی آن پیوند برقرار کرده و ظرفیت این ضابطه را در پاسخ‌گویی به مسائل نوپیدای فقه خانواده نشان دهد.

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی ضابطه فقهی «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» و تبیین ابعاد فقهی و تطبیقی آن درفقه اسلامی، به‌ویژه فقه حنفی، انجام گردید. نتایج تحقیق نشان داد که این ضابطه از

مهم‌ترین قواعد باب احوال شخصیه بوده و مستند آن نصوص صریح قرآن کریم و احادیث صحیح نبوی می‌باشد.

تحقیق حاضر ثابت ساخت که رضاع در شریعت اسلامی همانند نسب، سبب ایجاد محرمیت و حرمت نکاح می‌شود و این امردر راستای حفظ نسب، صیانت از نظام خانواده و جلوگیری از اختلاط محارم تشریع گردیده است. همچنان یافته‌های تحقیق آشکار نمود که فقهاء اسلامی با وجود اتفاق نظر در اصل ضابطه، در برخی شرایط تحقق رضاع مُحرِّم، مانند مدت رضاع و مقدار شیرخوردن، اختلاف دیدگاه دارند؛ اما این اختلافات بیشتر ناشی از تفاوت در فهم و استنباط ادله شرعی می‌باشد.

هم‌چنین بررسی تطبیقات فقهی نشان داد که این ضابطه در حوزه‌های مختلف نکاح، محرمیت و مصاهره نقش گسترده‌ای دارد و بسیاری از فروعات فقهی بر بنیاد آن استوار گردیده است. تحقیق حاضر علاوه بر تبیین قواعد کلی رضاع، برخی استثنائات مطرح‌شده در فقه حنفی را نیز مورد تحلیل قرار داده و روشن ساخته است که این استثنائات در حقیقت ناشی از تفاوت علل و اسباب تحقق محرمیت می‌باشد.

در بخش مسائل معاصر، تحقیق حاضر به بررسی حکم بانک‌های شیر پرداخته و نشان داده است که این مسئله از موضوعات مهم و چالش‌برانگیز فقه معاصر به شمار می‌رود. پس از تحلیل دیدگاه‌های مختلف، نظریه عدم جواز بانک‌های شیر به‌عنوان دیدگاه راجح ترجیح داده شد؛ زیرا این نظریه با مقاصد شریعت اسلامی در حفظ نسب، جلوگیری از اختلاط محارم و دفع مفاسد اجتماعی سازگاری بیشتری دارد.

در نهایت، این تحقیق به این نتیجه رسید که ضابطه «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» یکی از قواعد بنیادین فقه اسلامی در تنظیم روابط خانوادگی است و شناخت دقیق آن، به‌ویژه در عصر حاضر و در مواجهه با مسائل نوپیدای طبی و اجتماعی، یک ضرورت علمی و شرعی محسوب می‌شود. هم‌چنین این ضابطه نشان‌دهنده جامعیت، انعطاف‌پذیری و توانایی فقه اسلامی در پاسخ‌گویی به مسائل جدید در پرتو نصوص شرعی و مقاصد کلی شریعت می‌باشد.

منابع

قرآن کریم

ابن عابدین، م.ا.(۱۳۸٦هـ ق)، *ردالمحتارعلی درالمختار*،دارالفکر،بیروت.

ابن همام، ک.م. (۱۳۸۹هـ ق)، *شرح فتح القدیر علی الهدایة* ، دارالفکر،بیروت.

ابن نجیم، ز. (۱٤۳۱)، *بحرالرائق شرح کنزالدقائق*،دارالکتب الاسلامیة.

ابن نجیم، ز. (۱٤۱۹هـ ق)، *الْأَشْبَاهُ وَالنَّظَائِرُ عَلَى مَذْهَبِ أَبِيْ حَنِيْفَةَ النُّعْمَانِ*، دار الکتب العلمیة، بیروت،لبنان.

ابوالعلاء، ح.ع.(۱٤۱٤هـ ق)، *الرضاع المحرم وبنک اللبن*، المکتبة البیان،طایف.

باکلی، س.(ب ت)، *الرضاع المحرم*.

بخاری، م.ا.(۱٤۰٤هـ ق)، *صحیح البخاری*، دار ابن کثیر، دار الیمامة، دمشق

البار، م. ، *بنوك الحليب دراسة طبية فقهية* ، ضمن مجلة الفیصل، العدد (۱۲۷).

تهانوی، م.ع.(۱۹۹٦،*کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم*،مکتبة لبنان ناشرون، بیروت.

جرجانی، ع. (۱٤۰۳هـ ق)، *التعریفات*، دار الکتب العلمیة بیروت،لبنان.

دباسی، أ، *بنوك الحليب وموقف الشريعة الإسلامية* منها ضمن مجلة الجمعية الفقهية السعودية (ع ۲٦/ ٤۸۹).

زحیلی، و. (۱٤٤۳ هـ ق)، *الفقه الاسلامی وادلته* ، دارالفکر،سوریه – دمشق.

سرخسی، م. (۱٤۳۱هـ ق)، *المبسوط* ، دارالمعرفة، بیروت- لبنان.

سنباطی، ع. (۱٤۲۱هـ ق)، *بنوك النطف والأجنة دراسة مقارنة في الفقه الإسلامي والقانون الوضعي*،دار النهضة العربية في القاهرة.

شربینی، ش. (۱٤۳۱هـ ق)، *الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع*،دارالفکر، بیروت.

عبدالله، أ. (۱٤۳۷)، النوازل في الرضاع، رسالة ماجستیر.

قاضی خان، ف. (۲۰۰۹ م)، *فتاوای قاضی خان*، دارالکتب العلمیة،بیروت.

کاسانی، ع.أ. (۱۳۲۷، *بدائع الصنائع*، مطبعة الجمالیة،مصر.

کحلاوی، ع. (۱۴۱۹هـ ق)، *بنوك اللبن شبهات حول بنوك اللبن دراسة فقهية مقارنة* ،دار الرشاد، القاهرة.

کنعان، أ. (ب ت). *موسوعة الطبية الفقهية موسوعة جامعة للأحكام الفقهية في الصحة والمرض والممارسات الطبية* ،دار النفائس، بیروت.

کیکلدی، ص. (۱۴۳۱هـ ق)، *فتاوی العلائي*، تحقیق:عبدالجواد حمام، دار النوادر، دمشق.

مرغینانی، ب. (۱۴۲۵ هـ ق)، *الهدایة فی شرح البدایة* ،داراحیاءالتراث العربي، بیروت – لبنان.

مرحبا، إ. (۱۴۲۹هـ ق)، *البنوك الطبية البشرية وأحكامها الفقهية* ،دار ابن الجوزي.

مجلةمجمع الفقه الإسلامي ، (١٤١٥هـ)، م*نظمةالمؤتمرالإسلامي*،العدد الثامن،جده.

مجلة الجمعية الفقهية السعودية (١٤٣٦ هـ)، العدد السادس والعشرون، ذو القعدة.

مجموع فتاوي دار الإفتاء المصرية ، برقم (٩٥٩).

مهدی، ج. (٢٠١١م)، *بنوك لبن الرضاع بين الحل والحرمة دراسةفقهية مقارنة* ،مكتبة الوفاء في الأسكندرية.

نسفی، أ. ع.(١٤٣٢هـ ق)، *كنز الدقائق*، تحقيق:أ. د. سائد بكداش، دار البشائر الإسلامية، دار السراج.

نووی، ی. (١٤١٢هـ ق)، *روضة الطالبين وعمدة المفتين* ، المكتب الإسلامي، بيروت.